

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال دوم و سوم به صحیحۀ ثانیۀ زرارۀ

عرض کردیم در صحیحۀ ثانیۀ زرارۀ غیر از آن اشکال معروفی که بحث عدم تناسب بین تعلیل و معلّل است دو اشکال دیگر مطرح است که در جلسۀ گذشتۀ خلاصه و اجمال این دو اشکال را بیان کردیم:

اشکال دوم:

این است که در این صحیحۀ ثانیۀ زرارۀ در سؤال سوم و جواب از سؤال سوم، امام (ع) می فرماید اگر بعد از نماز علم به این پیدا کرد که تمام نمازش در نجاست بوده این نماز صحیح است، اما در سؤال و جواب از سؤال پنجم می فرماید اگر قبل از نماز شک کند به وجود یک نجاستی، نمازش را شروع کرد در اثناء نماز آن نجاست را دید «تنقض الصلاة و تعید» این نمازش باطل است باید نمازش را بشکند و از اول بعد از اینکه لباس را تطهیر می کند نماز را بخواند.

سؤال این است که چرا آنجایی که تمام نماز در نجاست واقع می شود امام (ع) می فرماید نماز صحیح است با اینکه آنجا هم قبل از نماز شک حاصل شده، آنجا قبل از نماز سائل می گوید ظننت أنّه قد أصابه و نظرت و لم أر شيئاً، چیزی پیدا نکرده اما ظن به اصابه دارد نماز را شروع می کند و بعد از نماز علم پیدا می کند و آن نجاست را می بیند و علم پیدا می کند که تمام این نماز در این نجاست واقع شده، امام اینجا می فرماید اعاده لازم ندارد اما در این سؤال پنجم سائل می گوید اگر قبل از نماز من شک کردم در حال نماز و در اثناء نماز دیدم، امام می فرماید اینجا باید نمازت را بشکنی و اعاده کنی. چه اشکالی دارد بگوئیم اینجا هم تا این قسمت استصحاب جریان پیدا کند الآن هم این لباسش را در همان حال نماز بدون اینکه منافی به وجود بیاید تطهیر کند و نمازش را دنبال کند.

اشکال سوم:

این است که در این سؤال اخیر (یعنی همین سؤال پنجم) امام (ع) فرمود تنقض الصلاة و تعید إذا شککت فی موضع منه، و در ادامۀ یک فرع دیگر را هم بیان فرمودند می فرمایند و إن لم تشك، اگر قبلاً شک نکردی الآن دیدی که این نجاست، نجاست تر و تازه است لازم نیست نمازت را بشکنی، اینجا همین لباس را تطهیر کن لعلّه شيءٌ اوقع عليه بعد هم در اینجا استصحاب جاری کردند فرمودند «و ليس ينبغي لك أن تنقض اليقين بالشك ابدا» سؤال این است که چرا در این فرع امام استصحاب را جاری می کند اما در فرع قبل از آن استصحاب را جاری نفرموده؟ در حالی که موضوع استصحاب شک است هم در فرع قبل، قبلاً

شک بوده که استصحاب می‌گوید نمازت تا اینجا درست است هم در این فرع، الآن شک فعلیت پیدا می‌کند و شک وجود دارد، چرا در آن فرض اول استصحاب جریان ندارد و امام نفرمودند در آنجا استصحاب جریان دارد اما در فرض دوم فرمودند استصحاب جریان دارد.

پاسخ اشکالات از نظر امام خمینی

[1]

امام رضوان الله تعالی علیه در رساله‌ی استصحابشان این دو اشکال را مطرح می‌کنند و بعد در مقام جواب از این دو اشکال برمی‌آیند، حالا ما جواب امام را آنطوری که در آنجا مطرح کردند ذکر کنیم تا ببینیم آیا این جواب جواب از هر دو اشکال است یا فقط جواب از اشکال اول می‌شود یا دوم؟

ایشان ابتدا یک مقدمه‌ای را به عنوان جواب در رساله استصحاب صفحه 47 ذکر فرمودند؛ استصحاب در موردی است که برای مصلی حالت شک باشد اما در جایی که مصلی علم به نجاست یا طهارت دارد اینجا دیگر معنایی برای جریان استصحاب نیست، می‌فرماید برای مصلی که در اثناء نماز نجاستی را می‌بیند سه فرض است:

- یکی اینکه شک دارد.
- یک فرض این است که علم به نجاست پیدا می‌کند.
- یکی هم علم به طهارت پیدا می‌کند.

عبارت امام اینجا یک مقداری اضطراب دارد و روشن نیست می‌فرماید مصلی سه حال دارد و استصحاب در جایی است که شک وجود داشته باشد، جایی که شک هست مجال برای استصحاب است اما جایی که شک وجود ندارد مجال برای استصحاب نیست، می‌فرمایند در آنجایی که بعد از نماز علم به نجاست پیدا می‌کند خود نماز تماماً با حالت شک بوده، حالا که خود نماز تماماً با حالت شک بوده اینجا استصحاب جریان پیدا می‌کند در جایی که در اثناء نماز نجاست را می‌بیند اینجا دیگر امکان تمسک به استصحاب نیست چون اینجا الآن علم پیدا کرده و فرض شک نیست، الآن در اثناء نماز علم دارد به اینکه این لباس نجس است، استصحاب اینجا کارساز نیست. می‌فرمایند البته اگر یک دلیل دیگری بگوید که این نجاست اگر نجاست تازه باشد همان جا شما می‌توانید بشوئید و نماز را اعاده نکنید و ادامه بدهید، اما اگر چنین دلیلی نباشد، دلیل می‌گوید اگر نجاست، نجاست غیر مرطوبه است نماز باطل است اینجا دیگر جای استصحاب نیست چون شک وجود ندارد و استصحاب در جایی است که شک باشد. به عبارت دیگر در اول عبارتشان می‌فرمایند فرق بین آنجایی که بعد از نماز علم پیدا می‌کند با آنجایی که در اثناء نماز علم پیدا می‌کند این است که در اولی تمام نماز در ظرف شک بوده، پس این استصحاب تا آخر نماز همراه این آدم بوده اما در دومی چون در اثناء نماز علم پیدا می‌کند این ظرف شک نیست، مجالی برای جریان استصحاب نیست.

باز یک مقداری این را توضیح می‌دهند؛ می‌فرمایند ما باشیم و ادله‌ای که اثبات مانعیت نجاست می‌کند یا ادله‌ای که اثبات اشتراط طهارت می‌کند می‌گوید طهارت در نماز شرط است این ادله چه اقتضایی دارد؟ ادله‌ی مانعیت نجاست یا شرطیت طهارت چه اقتضایی دارد؟ می‌فرمایند اقتضایی که دارد این است که باید تمام نماز از اول تا آخر مانع نباشد، اگر گفتیم ستر از شرایط لباس نمازگزار و مصلی است باید از اول تا آخر باشد، نماز فعل واحد است دارای یک هیئت واحده‌ی اتصالیه است، حتی می‌فرمایند در آن اکوانی که مصلی مشغول ذکر هم نیست، نشسته و هنوز ذکر نمی‌گوید، می‌فرماید ارتکاز متشرعه و ظواهر ادله این است که این اکوان صلاتی هم ولو ذکر هم در آن نیست اما این هم جزء همان هیئت اتصالیه است، اگر کسی نشست هنوز تشهد را شروع نکرده، شروع کرد به قهقهه در نماز، این کون صلاتی بهم می‌خورد، می‌فرمایند نماز فعل واحد و هیئت اتصالیه واحده، از اول تا آخرش یک چیز است، این نمازی که یک چیز است اگر مشروط به یک شرطی شد به این معناست که

این شرط از اول تا آخر باید همراه با این نماز باشد، چه شرط بگوئیم و چه مانع، اگر گفتیم نجاست مانع است یعنی در تمام این نماز از اول تا آخر حتی در آن کون صلاتی، در جایی که مشغول به ذکر هم نیست، نباید نجاست باشد.

تقریباً بعد از این سه یا چهار مطلب را بیان کردند:

1_ یکی این است که از این قاعده‌ی اولیه که تمام نماز باید این مانع در آن نباشد یا تمام نماز باید این طهارت از خبث در آن باشد ما خارج نمی‌شویم مگر اینکه یک دلیلی داشته باشیم. دلیلی که هست فقط همین است که اگر خون تازه یا نجاست تازه در اثناء نماز دید اینجا نمازش را لازم نیست بشکند، نمازش را متوقف می‌کند، لباسش را می‌شوید و نماز را ادامه می‌دهد، تنها چیزی که ما از این قاعده‌ی اولیه که گفتیم قاعده این است که این مشروع از اول تا آخرش باید بدون نجاست باشد، از اول تا آخرش باید بدون این مانع باشد، تنها چیزی که از این قاعده‌ی اولیه خارج می‌شود همین موردی است که یک نجاست تازه‌ای در اثناء نماز باشد.

2_ در مطلب بعد می‌فرمایند مرحوم حاج آقا رضای همدانی قدس سره در مصباح الفقیه (جلد 1 صفحه 619) از این موردی که از قاعده خارج شده یک القاء خصوصیت کرده، فرموده بین جایی که یک نجاست مرطوب در اثناء نماز حادث شود و بین آنجایی که نجاست از قبل بوده و در اثناء نماز علم به آن پیدا می‌کند، ما می‌گوئیم فرقی وجود ندارد و از آن مورد القاء خصوصیت می‌کنیم. می‌گوئیم چه فرقی وجود دارد عرفاً، یعنی اگر شما سؤال کنید که القاء خصوصیت منشأش چیست؟ ایشان فرموده منشأش عرف است، عرف می‌گوید اگر مولا فرمود در اثناء نماز لباس‌تان را دیدید نجس شد احتمال دادید که این نجاست الآن حادث شده، همین جا نماز را متوقف کنید، کنار شیر آب هم هستید لباس‌تان را بشویید و ادامه بدهید، می‌فرماید عرف از این القاء خصوصیت می‌کند می‌گوید آنجایی هم که قبل از نماز می‌دانستید لباس‌تان نجس است پیدا نکردید، نماز را شروع کردید وسط نماز جایش را پیدا کردید آن را هم همان جا بشوئید و تمام شود. ایشان می‌فرماید ما بیائیم القاء خصوصیت کنیم بگوئیم عرف می‌گوید چه فرقی می‌کند اینجایی که نجاست در اثناء حادث می‌شود این موجب بطلان نماز نیست و شارع راهکار برای شما گذاشته و آنجایی که از اول قبل از نماز می‌دانید لباس نجس است اما جایش را پیدا نکردید اثناء نماز پیدا کردید، عرف می‌گوید بین این دو صورت فرقی نیست، تا حالا که شک داشته و استصحاب کمکش کرده، تا حالا که نمی‌دانسته، الآن که جایش را پیدا کرد اگر بتواند بدون اینکه موالات به هم بخورد یا منافی انجام بدهد تطهیر کند و نماز را دنبال کند اینجا همین کار را انجام بدهد و فرقی بین این دو مورد نیست. امام رضوان الله تعالی علیه این فرمایش مرحوم محقق همدانی را رد می‌کنند و می‌فرمایند این یک دعوای ممنوعی است، می‌فرمایند ما احتمال می‌دهیم برای حدوث نجاست در اثناء یک خصوصیتی باشد، آن هم حدوث اتفاقی‌اش.

3_ امام یک فرعی را اینجا خلق کردند که عرض کردم در فقه یا در اصول یکی از هنرهای فقیه این است که خلق فرع کند می‌فرمایند آیا کسی عمداً در وسط نماز می‌تواند بگوید من یک لحظه لباسم را نجس می‌کنم ذکر هم نمی‌گوید، دو سه ثانیه بعد هم می‌شوید و تطهیر می‌کند، منافی هم به وجود نمی‌آید و موالات هم بهم نمی‌خورد؟ آیا عمداً تنجیس در اثناء نماز جایز است؟ می‌فرمایند قطعاً جایز نیست، معلوم می‌شود برای حدوث نجاست در اثناء نماز آن هم حدوث اتفاقی، این نقشی وجود دارد حالا جایی که نجاست از اول بوده این هم علم پیدا می‌کند که از اول لباسش با نجاست بوده قبل از نماز هم شک پیدا کرده این نمی‌تواند به او ملحق باشد می‌فرمایند احتمال آن یکنون لحدوثها من باب الاتفاق دخل فی رفع المانع، مؤیدش هم همین فرعی بود که عرض کردیم تنجیس عمداً جایز نیست.

بعد از اینکه این چند مطلب را مرحوم امام می‌فرمایند، می‌فرمایند اگر در اثناء بداند نجاست از اول بوده این را نمی‌تواند با استصحاب درست کند، اگر بعد از نماز علم پیدا کند که این تمام نماز در نجاست بوده آنجا استصحاب جریان دارد اما اگر در اثناء علم پیدا کند جریان ندارد، چرا؟ دو تا علت ذکر می‌کنند:

الف) استصحاب نسبت به حال علم اثری ندارد من الآن در نماز علم پیدا کردم، پس شرط وجود ندارد، علم دارم در اثناء نماز که این لباس نجس است و این صلاة شرطش وجود ندارد پس مجالی برای استصحاب نیست.

ب) ما از آن قاعده‌ی اولیه در اثناء نماز چگونه خارج شویم؟ از قاعده‌ی اولیه تنها مُخرجی که داریم آنجایی است که نجاست در اثناء بیاید آن هم احتمال بدهیم که همین الآن حادث شده اما اگر علم پیدا کردیم این نجاست از اول بوده دلیلی بر اخراج این مورد از آن قاعده نداریم. قاعده‌ی مانعیّت نجاست یا شرطیّت طهارت این است که این نماز از اول تا آخر دارای این شرط باشد و این مانع موجود نباشد. پس دو تا دلیل در اینجا بیان می‌کنند و با این دو دلیل می‌فرمایند آنجایی که در اثناء علم پیدا کند به نجاست این نمی‌تواند با استصحاب تصحیح کند، حالا این کلام امام یک تتمه‌ای دارد آن را ببینید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ « و دعوى إلقاء الخصوصية لعدم الفرق عرفاً بين حدوث النجاسة في الأثناء، و كونها من الأول مع الالتفات و العلم في الحال ممنوعة، لاحتمال ان يكون لحدوثها من باب الاتفاق دخل في رفع المانعية، و لهذا لا يمكن الالتزام بجواز التنجيس عمدا و الاشتغال بتطهير الثوب فوراً ثم البناء على الصلاة» الرسائل، ج 1، صفحہ 102.